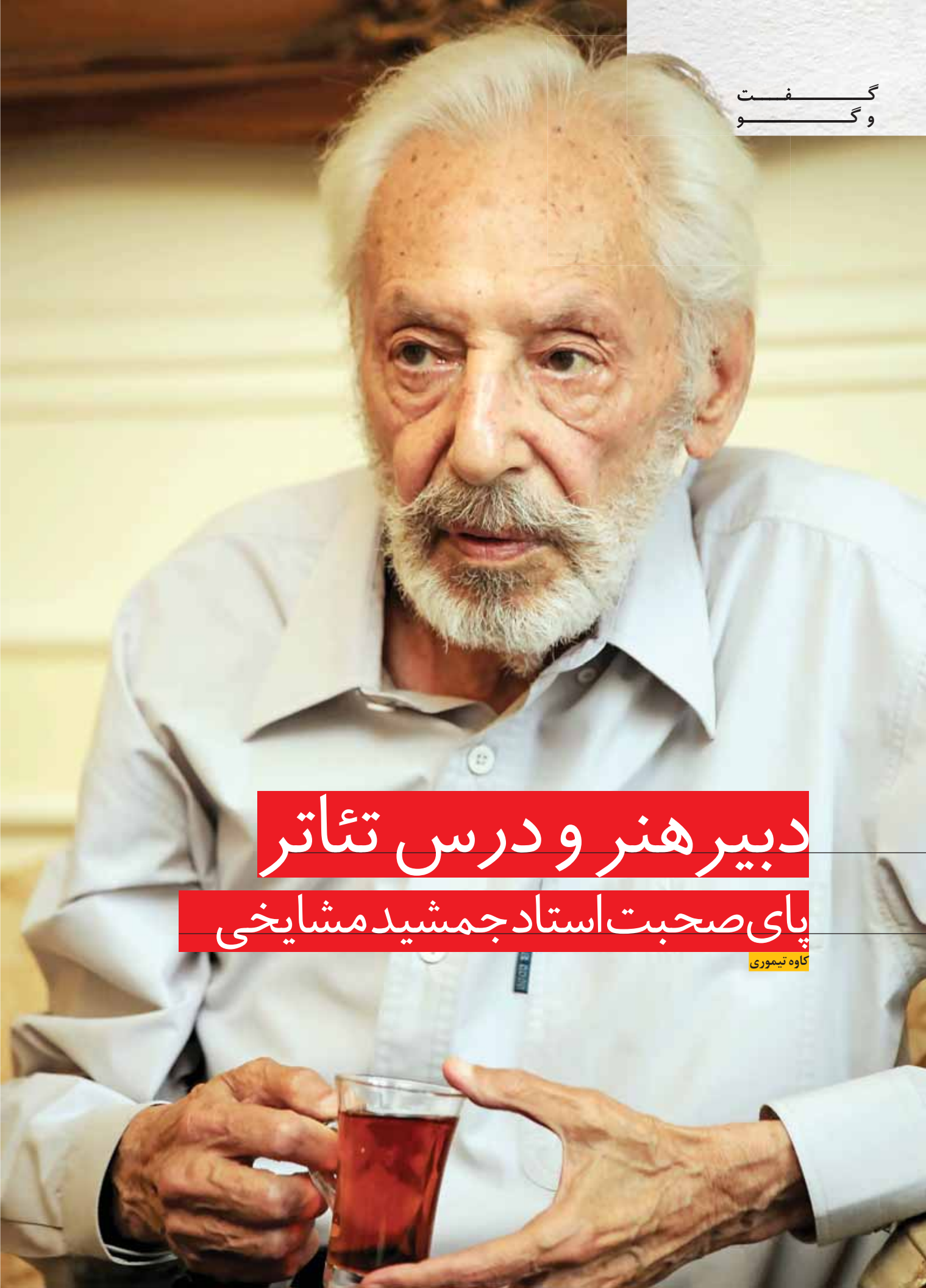


# دبیر هنر و درس تئاتر

پای صحبت استاد جمشید مشایخی

کاوه نیموری



هنر تئاتر تصویری از زندگی طبیعی انسان‌هاست. دانش‌آموزان نیز به این هنر به‌خاطر بازسازی زندگی و قرار گرفتن در دایره تجربه‌های نزدیک به واقعیت، علاقه ویژه‌ای دارند. درس نمایش به کتاب‌های جدید هنر، نیز راه یافته است. در عین حال، وقوف داریم که همکاران رشته هنر برای تدریس این گرایش مهم باید آمادگی لازم را در خود به‌وجود آورند. یکی از راه‌هایی که این امر مهم را تحقق می‌بخشد، استفاده از گنجینه تجارب بزرگان و سرآمدان تئاتر است. شناخت تئاتر در کنار توضیحات و مفاهیم گسترده نظری وقتی از زبان و رفتار رهروان موفق این رشته شنیده شود، دارای جذابیت ویژه‌ای است. استاد جمشید مشایخی چهره شناخته‌شده هنرهای نمایشی بی‌تردید به معرفی نیاز ندارد و باید از راهنمایی‌ها و نکات کلیدی و تجارب ارزنده ایشان بهره گرفت. رشد آموزش هنر با هدف توانمندسازی دبیران هنر در رشته دانش‌آموزی تئاتر، گفت‌وگویی با ایشان ترتیب داده است. سرفصل‌های مهمی که استاد مشایخی مطرح کرده‌اند سرآغاز تازه‌ای برای کندوکاو دبیران هنر به‌شمار می‌آید. به همین سان، همکاران می‌توانند با ارائه مقالات تخصصی درباره تئاتر سایر همکاران را در فرایند توانمندسازی یاری رسانند.

◀ با عرض سلام و احترام، بحث این بود که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ وزارت آموزش و پرورش کار بسیار مهمی انجام داده و آن، گنجاندن درس تئاتر در کتاب هنر متوسطه است. ما ۱۲ هزار دبیر و مدرس هنر در سراسر کشور داریم که البته بسیاری از آن‌ها تجربه لازم را در مورد تئاتر ندارند تا بتوانند بذر علاقه و عشق به این هنر را در دل بچه‌ها بکارند. با توجه به اینکه شما پیش‌کسوت این رشته هستید و این یک اتفاق مبارک است، لطفاً نقش آموزش تئاتر در مدارس را برای ما توضیح دهید.

ما اگر هیچ‌کدام از هنرها را در جامعه خودمان نداشته باشیم هیچ اتفاقی نمی‌افتد ولی اگر موسیقی را نداشته باشیم، چرا. موسیقی از طبیعت گرفته شده است؛ یعنی هنرمندان از آن صدایی که در طبیعت است الهام گرفته‌اند؛ از وزش باد، از صدای پرندگان و نسیم و از دریا و ... صدای آن‌ها با هم فرق می‌کند. موسیقی کویر با موسیقی جنگل متفاوت است. انسان تحت تأثیر این موسیقی خداوند قرار گرفته و برای خود آهنگ ساخته است. این برای من عجیب است که تلویزیون خواننده را نشان می‌دهد ولی نوازنده را نشان نمی‌دهد. من کلاس پنجم که بودم و به مدرسه‌ای در حومه پارسین می‌رفتم، مدیری داشتیم که یک روز آمد و مناظره‌ای ترتیب داد به نام «مناظره شتر و موتور». آن آقا این نمایش را با ما تمرین کرد و بعد ما مناظره را انجام دادیم. همان موقع وقتی که پدر و مادر مرا می‌آوردند تهران و می‌بردند کار ساده‌ای نبود. یک جاده خاکی بود و ماشین هم همیشه نبود. شاید دو ماه یک دفعه ماشینی می‌آمد. اکثراً با ماشین‌های جنگی می‌آمدیم و اتوبوس نبود. پدر و مادرم تابستان‌ها که تعطیل بود مرا می‌آوردند تهران و می‌رفتم در لاله‌زار که بیشتر سالن‌های تئاتر آنجا بود. در آن زمان فیلم‌ها دوبله نبود بلکه زیرنویس می‌شد و من دیدن تئاتر را به فیلم ترجیح می‌دادم. با پدر و مادر یا اقوام می‌رفتم برای دیدن تئاتر و به تئاتر علاقه پیدا کردم و خودم در تابستان‌ها نمایش‌نامه می‌نوشتیم، کارگردانی می‌کردم و بازی هم می‌کردم صندلی می‌آوردیم و از بقیه دعوت می‌کردیم ببینند. این را توضیح دادم که بگویم از چگی به هنر تئاتر و البته موسیقی علاقه داشتم ولی در آنجا محلی نبود که معلم موسیقی و کلاس داشته باشد؛ بنابراین، اکتفا کردیم به همین تئاترهایی که گهگاه در تهران می‌دیدیم یا خودمان اجرا می‌کردیم. به‌نظر من چیزی که بچه‌ها را سر شوق می‌آورد و باعث می‌شود که بهتر به درس‌هایشان بپردازند، هنر است. عامل هنر کاملاً کمک‌دهنده است و باعث آرامش می‌شود. خیلی چیزها مخصوصاً مفاهیم اخلاقی را می‌شود با تئاتر منتقل کرد؛ چون غیرمستقیم و اثرگذار است. مثلاً برنامه‌ای در تئاتر اجرا می‌شود و دارای شخصیت بدی است که کارهای بد و زشتی انجام می‌دهد.

همین کارهای زشت شخصیت بد اثرگذار است؛ چون بچه را از آن حرکات و اعمال متنفر می‌کند و باعث می‌شود او این حرکات را در خانه و جامعه انجام ندهد. اخیراً به این نتیجه رسیده‌اند که تئاتر در ۲۵۰۰ سال پیش هم وجود داشته است. نه اینکه بگویم از یونان گرفته‌ایم. ما کشور بزرگ و گسترده‌ای بودیم و فرهنگ والایی هم داشتیم. حتی قسمتی از یونان مال ایران بود. هنرهایی مثلاً خطاطی، مجسمه‌سازی و خانه‌سازی داریم و آثار معماری که بی‌نظیر است؛ مانند تخت‌جمشید. من چندسالی است که نمی‌روم تخت‌جمشید را ببینم؛ چون وقتی می‌شنوم قسمت‌هایی از آن نمی‌دانیم چه شده، ناراحت می‌شوم. در اصفهان مسجدی قدیمی بود مربوط به دوران صفویه که دو گلدان سنگی بزرگ داشت. دیدم روی یکی از این گلدان‌های سنگی با میخ یادگاری نوشته‌اند. خیلی ناراحت شدم. بعضی از کشورها که حتی قدمت ۱۰۰ ساله هم ندارند به آثار باستانی خود افتخار می‌کنند؛ در صورتی که آثارشان مربوط به سال‌های دور نیست ولی ما از آثار باستانی خود خوب نگهداری نمی‌کنیم.

◀ استاد، در مورد تأثیر تربیتی تئاتر و نکات اخلاقی که تئاتر منتقل می‌کند و بچه‌ها را آرام می‌کند، فرمودید. لطفاً بفرمایید که معلمان ما باید به چه چیزی در این زمینه توجه کنند. باید تئاتر ببینند؛ خود دیدن تئاتر برای معلمان بسیار اثرگذار است.





قصه‌هایی هست که برای کودکان نوشته شده است و می‌توان تمام آن‌ها را به‌صورت نمایش نامه درآورد و کار کرد؛ مثلاً قصه‌هایی که بین حیوانات است. در عین حال، قصه‌های دیگری هم می‌توانند برای امروز بنویسند؛ برای این روزگار. ممکن است قصه‌های خیلی قدیمی باشد و در این روزگار خریدار نداشته باشد. الان می‌توان قصه‌هایی نوشت که با اوضاع و احوال زمانه هماهنگ باشد؛ مثلاً تنفر از جنگ، یا بداخلاقی‌ها و جاسوس بودن‌ها. یادم هست که قدیم‌ها کتاب‌هایی بود که شعر و قصه داشت. صبح‌های جمعه مرحوم صبحی مهندی می‌آمد و در رادیو قصه می‌خواند. آن قصه‌ها بسیار جالب بود و واقعا به درد تئاتر می‌خورد. می‌توان قصه‌هایی نوشت که قهرمان آن‌ها بچه باشد و با آن‌ها می‌شود بچه را به سمت مفاهیم اخلاقی خوب برد. مثلاً می‌توان او را ترغیب کرد که درس بخواند، دروغ نگوید و دنبال حقیقت برود. داستان‌های سعدی هر کدام می‌تواند به داستان‌های کوتاه تبدیل شود. یادم هست یکی از اساتید به نام داریوش شایگان داستانی را تعریف می‌کرد که در مورد پادشاهی بود که فردی را به اعدام محکوم کرده بود. آن فرد بعد از آنکه می‌بیند حکم او قطعی است، شروع به فحاشی می‌کند. پادشاه از یکی از وزرای خود می‌پرسد که این فرد چه می‌گوید؟ آن وزیر می‌گوید که دارد مدح شما را می‌گوید. بدین ترتیب پادشاه آن فرد را می‌بخشد. وزیر دیگر می‌گوید که خیر، او داشت به شما فحاشی می‌کرد. پادشاه در جواب می‌گوید: دروغ مصلحت‌آمیز به ز راست فتنه‌انگیز. استاد شایگان می‌گفت باید حتماً چنین داستانی را بخوانی تا بفهمی که این جمله را باید در چنین موقعیت‌هایی به کار برد نه اینکه سر هر مسئله که دروغ گفتمی وقتی از شما بپرسند که چرا دروغ گفتمی، این مثل را به کار ببری. قصه‌هایی که مرحوم صبحی گفته‌اند هم چاپ شده است. همه این‌ها را می‌توان برای دانش‌آموزان ابتدایی و پیش‌دبستان خواند. حتی می‌توان این داستان‌ها را با خود بچه‌ها اجرا کرد و از والدین دعوت کرد که بیایند ببینند. هنرمند می‌تواند انسان را از واقعیت به حقیقت ببرد.

❖ **استاد، اگر شما را به‌عنوان معلم تئاتر در یک کلاس از دانش‌آموزان نوجوان بگذارند، تئاتر را برای آن‌ها چگونه تعریف می‌کنید؟ چون ما شنیده‌ایم که می‌گویند تئاتر هنر زندگی است، تئاتر خود زندگی است، بازسازی زندگی است. شما تئاتر را چگونه توصیف می‌کنید. تجربه ۵۰ ساله شما در این مورد چه می‌گوید؟**

عرض کردم که تئاتر انسان را از واقعیت به حقیقت می‌رساند. مثلاً در ماشین نشسته‌اید؛ می‌بینید که دوتاراننده دارند باهم فحاشی می‌کنند خوب تأثیر این منفی است. تئاتر می‌خواهد این را نشان دهد که این حرکت زشت است، خوب یا بد چیست. بچه‌ها دوست دارند به سمت راه حقیقت و درست بروند. مثلاً ممکن است در بازی سنگی به سمت دوستشان پرتاب کنند و باعث آسیب‌دیدگی او بشوند. این کار درستی نیست و می‌توان این را در تئاتر به آن‌ها یاد داد. عرض کردم که بچه‌ها باهوش‌اند و این‌ها را یاد می‌گیرند. تئاتر از سینما بالاتر است. به تئاتر می‌گویند ادبیات دراماتیک. ما ادبیات سینمایی نداریم بلکه تئاتر داریم.

❖ **ما در مدرسه برای اینکه معلم‌انمان در قسمت تئاتر موفق باشند، یک بخش استعدادشناسی داریم. یک عده هستند که از تئاتر خوششان می‌آید. بعضی‌ها هم هستند که شکوفا می‌شوند؛ معلم ما در استعدادشناسی باید چه کار کند؟**

باید بیاید این‌ها را کشف کند. مثلاً بچه‌ها بیایند یک شعر کودکانه را اجرا کنند تا مشخص شود کارشان چه‌طور است. مثلاً سه نفر استعداد این کار را دارند ولی بقیه ندارند بعضی‌ها ممکن است در تئاتر موفق نباشند اما استعداد موسیقی داشته باشند. در اجراهای تئاتر به خوبی

هر معلمی نمی‌تواند تئاتر تدریس کند؛ فقط آن معلمی می‌تواند این کار را انجام دهد که خیلی هنری است. کسانی هستند که در تئاتر هستند و میان سال هم شده‌اند و می‌توان از تجارب این‌ها استفاده کرد. باید بچه‌ها را برای دیدن تئاتر ببرند که خود این هم اثرگذار است. مطمئناً در میان بچه‌ها کسانی هم هستند که به تئاتر علاقه‌مند باشند و خودشان بخواهند حرکتی بکنند. مثلاً من که خودم عاشق شدم و خودم کار می‌کردم. تئاترهای آن زمان همه اثرگذار بودند. نکته‌ای را بگویم که جالب است. آقای بود به اسم «بیراس خان». ایشان همسری داشتند که ما گاهی اوقات برای تئاتر از ایشان لباس می‌گرفتیم. یک بار با دو تا از دوستان رفتیم و گفت که یک تئاتر دارم که در محلی که خوش نام نیست، اجرا می‌شود. ما به تئاتر رفتیم و جالب بود که در آنجا تئاتر اجرا می‌شد. داستان زنی بود که قرار بود بعضی‌ها او را به انحراف بکشاند ولی این زن خودش متوجه می‌شد و خود را نجات می‌داد. حس کرده بود که اگر در آن منطقه چنین تئاتری اجرا کند، خیلی از زن‌هایی که آنجا هستند می‌توانند از آن تأثیر بگیرند.

❖ **استاد مثلاً در مدرسه چگونه به نمایشنامه‌ای که قابل تبدیل به تئاتر باشد و دانش‌آموز هم آن را بپسندد، دسترسی پیدا کنیم؟**

ان انجمن تئاتر داریم که مسئولش آقای ایرج راد است. می‌شود از ایشان خواست که منابعی تهیه کنند؛ چون در این انجمن بچه‌هایی هستند که جزء انجمن تئاتر هستند و می‌توانند کمک کنند. قبلاً اداره تئاتر داشتیم که دکتر مهدی فروغ در سال ۱۳۳۶ آن را تأسیس کرد. من اولین نفری بودم که در آنجا استخدام شدم. البته الان فکر می‌کنم اداره تئاتر نباشد.

❖ **استاد، در مورد نقش بنیادین تئاتر در شکوفایی شخصیت بچه‌ها چه می‌توانیم بگوییم؟**

می‌توان متوجه استعداد بچه‌ها شد.

#### ◀ استاد، تئاتر در اعتماد به نفس بچه‌ها چقدر تأثیر دارد؟

خوب معلم است که باید به بچه آموزش دهد که تو باید متکی به خودت باشی. تو آدم قدرتمند و نیرومندی می‌شوی ولی نه نیرومندی که بر سر دیگران بکوبی یا بمب بسازی. تو این نیرو و قدرت را در راه اصلاح جوامع بشری باید به کار ببری. من بارها گفته‌ام که دانشگاه‌ها آدم‌ساز نیستند بلکه متخصص پرورش می‌دهند. کسی که اسلحه یا بمب می‌سازد، مطمئناً به دانشگاه رفته و پروفیسور در فیزیک یا شیمی است ولی از ساخت آن اسلحه و بمب و اینکه عده زیادی در اثر گلوله آن اسلحه یا بمب می‌میرند لذت می‌برد. در وجود ما دو نیروی اهریمنی و اهورایی هست؛ اگر نیروی اهریمنی را به بند بکشیم انسان می‌شویم و اگر تحت تسلط نیروی اهریمنی باشیم، شیطان می‌شویم.

#### ◀ استاد، شما در بیانات خود اشاره کردید که با شرکت در تمرین‌های اولیه بود که تئاتر برایتان شکل جدی پیدا کرد.

#### پیش‌زمینه‌های تئاتر در مدرسه چه می‌تواند باشد؟

ببینید شما ساعت‌های ورزش دارید و کارهای دستی. غیر از این می‌شود در ماه بچه‌ها را درگیر تئاتر کرد. نه به گونه‌ای که به دروسشان لطمه وارد شود. باید آن‌ها در ماه بیایند و کار تئاتر انجام دهند. من وحشت این را دارم که بچه‌ای که علاقه به تئاتر دارد، همه وقت خود را صرف تئاتر کند و این در درس خواندن او اختلال ایجاد کند. باید به موضوع توجه کرد. باید در تئاتر هم این را به بچه‌ها بفهمانند که از درس دور نشوند. تئاتر زمانی ارزش دارد که کودک درس بخواند و در زمان‌های استراحت و تفریح خود اگر دوست دارد، تمرین تئاتر و خواندن نمایشنامه کند.

#### ◀ استاد، اگر بخواهید چند توصیه کلی به کسانی که در مدرسه با تئاتر و نمایشنامه سروکار دارند داشته باشید، به چه نکات مهمی می‌توانید اشاره کنید؟

اگر به دنبال هنر می‌روند، هر هنری نه تنها تئاتر، باید بدانند که ما بزرگانی داشته‌ایم که به عقیده من همیشه زنده‌اند؛ مثل جناب حافظ و فردوسی. سرچشمه‌های ادبی ما اصل تئاتر است. وقتی ما می‌گوییم ادبیات دراماتیک، اول اسم ادبیات می‌آید. وقتی آثار شکسپیر را مطالعه می‌فرمایید مشخص است که ایشان با ادبیات سروکار داشته و ادبیات در بحث تئاتر زیربناست. اگر شما بخواهید یکی از داستان‌های جناب فردوسی را به شکل تئاتر در بیاورید، خوب باید در مورد ادبیات شناخت داشته باشید. باید شعر را بشناسید تا بتوانید آن داستان را تفسیر کنید و بعد می‌توانید آن شعر را به نمایشنامه تبدیل کنید. تکنیک‌های نوشتن نمایشنامه، فیلم‌نامه و رمان با هم فرق دارد. یک نکته اساسی همین است که معلمان آثار بزرگان را مدنظر داشته باشند و مطالعه و توصیه کنند. باید همیشه در نظر داشته باشند که ادبیات سرچشمه تئاتر است. باید با قصه‌ها و رمان‌هایی که برای کودکان نوشته شده آشنا شوند. کودکان در بچگی به راهنمایی نیاز دارند تا راه را به درستی تشخیص دهند. بعدها که بزرگ شدند خودشان می‌توانند راه را بیابند.

#### ◀ پس استاد، شما ورود تئاتر به کتاب درسی را مغتنم می‌دانید

#### و می‌گویید که فرصت خوبی است؟

خیلی مهم است اگر بشود از نمایشنامه‌نویسان بزرگ استفاده شود یا قصه‌ها را به صورت نمایشنامه بنویسند تا دانش‌آموزانی که تئاتر را دوست دارند، اجبار نداشته باشند که از کتاب‌فروشی‌ها متن را تهیه کنند. با خواندن ذهنشان بیشتر آماده می‌شود. در واقع، بهتر است متون نمایشنامه‌ها در دسترس دانش‌آموزان باشد. همچنین خانواده‌ها کودکان را به تئاتر‌هایی که برای بچه‌ها مناسب است ببرند.

#### ◀ استاد، به عنوان آخرین سؤال با دبیران سرتاسر کشور چه صحبتی دارید؟ این‌ها به بزرگانی مثل شما خیلی ارادت دارند. شما به عنوان کسی که این همه تجربه دارد، با دبیران هنر چه صحبتی دارید؟

من اگر دویست سال هم عمر کنم، در این رشته بازیگری به کمال نمی‌رسم. کمال در خداوند است. هیچ بزرگی در هیچ رشته‌ای از هنر به کمال نرسیده است. اگر کتاب بزرگان ادب را مطالعه فرمایید می‌بینید که آن‌ها نسبت به ما به کمال رسیده‌اند.

بنابراین، من خودم را شاگرد می‌دانم و با هنرمندان جوان که روبه‌رو می‌شوم، لذت می‌برم. می‌گویم خیلی چیزها بیشتر از من می‌دانید و من شاگرد شما هستم. خودخواهی و غرور باید کنار برود. از هیچ شدن است که انسان می‌تواند به جایی برسد. وقتی روی صحنه تئاتر می‌روند، مردم به دلیل لطفی که دارند فرد را تشویق می‌کنند. این لحظه، لحظه خطرناکی است، اگر فرد فکر کند که کارش خیلی خوب بود، درجا خواهد زد. همان لحظه باید بداند هیچ است و اول کار است؛ باید خیلی زحمت بکشد و مطالعه کند. نه تنها ادبیات بلکه به تمام دروسشان هم باید بپردازند، چون آن‌ها هم اثرگذارند. نباید بقیه دروس را رها کنند و تک‌بعدی شوند، تاریخ و ریاضیات بسیار کمک می‌کند.

هنر یک پایه ریاضی هم دارد. این حرکات روی صحنه همه ریاضی است. چگونه در مقابل تماشاگر قرار گرفتن و روی صحنه رفتن هم علم است. برای همه همکاران هنر آرزوی موفقیت دارم.

#### ◀ استاد بسیار لذت بردم و استفاده کردیم و از اینکه در این گفت‌وگو شرکت کردید، سپاسگزاریم.

